

خبر

اعدام برای سر کردگان باند سرت مسلحانه از طلافروشی‌ها

■ **گروه حوادث:** سه سردهسته یک باند مخوف سرت مسلحانه که به جواهر فروشی های مشهد و چند شهر دیگر دستبرد زده بودند به اعدام محکوم شدند. این سه نفر که پیش از این با اتهام محاربه روبه‌رو شده بودند بعد از محاکمه در دادگاه انقلاب گناهکار شناخته شدند و پرونده آنها با صدور حکم مرگ در اختیار دیوانعالی کشور قرار گرفته است. اعضای این باند پس از آن تحت تعقیب قرار گرفتند که چند سرت مسلحانه از طلافروشی های مشهد انجام گرفت. در تمام این دردی هایک زن و مرد سوار بر موتورسیکلت جلوی ویترن ز زرگری ها توقف و سپس با یک قبضه کلاشینکف تیراندازی کرده و با شکستن ویترن طلا و جواهرات را به یغما برده بودند. تحقیقات پلیس پیرامون این دردی ها فاش کرد سارقان مرد هستند و یکی از آنها با پوشیدن چادر عربی خود را به ظاهری زنانه درمی آورد. بازبینی فیلم های دوربین های مدار بسته محل های سرتق و پیگیری های تخصصی کار آگاهان سرانجام به افشای هویت متهمان منجر شد و کار آگاهان برای دستگیری آنها عملیاتی ویژه را طرح ریزی کردند. در این عملیات یکی از سارقان دستگیر شد اما یکی دیگر کین فرار با خودرویی به خورد کرد و جانش را از دست داد. متهم بازداشت شده در بازجویی ها علاوه بر اعتراف به دردی های مسلحانه که در جریان آنها یک مامور پلیس نیز زخمی شده بود همدستانش را معرفی کرد. این مرد در اعترافاتش گفت: «یکی از ما چادر عربی سر می کرد تا کسی به ما مظلون نشود ما سلاح مان را هم زیر چادر مخفی می کردیم و وقتی به محل سرتق می رسیدیم برای ترساندن مردم و جلوگیری از مداخله آنها شروع به تیراندازی بیایی می کردیم.» به این ترتیب ۱۲ عضو شبکه مخوف به داد افتادند و به ارتکاب ۳۲ فقره سرقت مسلحانه در مشهد، بهشهر، گرگان و نیشابور اقرار کردند مشخص شد آنها به غیر از جواهر فروشی ها به منازل مردم نیز دستبرد می زدند. وقتی پرونده این گروه به دادسرا ارجاع شد بازپرس جرایم سه نفر از اعضای اصلی را که نقش سر کرده باند را برعهده داشتند مصداق محاربه تشخیص داد و پرونده با صدور کیفرخواست به دادگاه انقلاب رفت. محمود ذوقی، دادستان عمومی و انقلاب مشهد دیروز در گفت و گو با فارس شد داد: این پرونده به صورت فوق العاده و ویژه در دادسرای مشهد مورد رسیدگی قرار گرفت و برای ۳ نفر از این باند ۱۰ نفر، کیفرخواست محاربه صادر شد و دادگاه انقلاب هم برای آنها حکم اعدام صادر کرد که پرونده در حال حاضر در دیوان عالی کشور است.

اعتراف سارق شیک پوش به سرتق جواهرات ۳۰ زن

■ **گروه حوادث:** سارقی شیک پوش که با ترغندی جدید در حضور صاحبخانه اقدام به سرتق جواهرات می کرد، دستگیر شد. ماموران پلیس آگاهی ورامین از حدود یک سال قبل، با شکایت های مشابه چند زن مبنی بر سرتق طلا و جواهرات شان توسط یک مرد چاقو به دست مواجه شدند. یکی از مالباختگان نحوه وقوع سرتق را این طور توضیح داد: «سارق مردی بسیار آراسته بود. او با مراجعه به در منزل ما خودش را به عنوان دوست و همکار شوهرم معرفی کرد و سراغ او را گرفت. من هم متوجه دادم همسرم در منزل نیست. آن مرد سپس برای نوشتن یک شماره تلفن از من کاغذ خواست و وقتی داخل خانه رفتم تا کاغذ بیاورم او پشت سرم داخل آمد با تهدید جاقو، طلا و جواهرات من را به سرتق برد.» با افزایش تعداد شاکیان پرونده، تحقیقات پلیس برای شناسایی این سارق گسترده تر شد تا اینکه متهم شیک پوش چند روز قبل به دام افتاد. او که ادعای کرد بی گناه است وقتی رودرروی شاکیان قرار گرفت، به ۲۰ فقره دردی اعتراف کرد و گفت: در هر کدام از این سرتق ها بین ۱۰۰ هزار تا پنج میلیون تومان به دست آورده است. بنابراین گزارش در حال حاضر تحقیقات از متهم ادامه دارد.

کلاهبرداری میلیونی از پدر خوانده

■ **گروه حوادث:** پسر جوانی که به خاطر گرفتن انتقام از پدر خوانده اش اقدام به کلاهبرداری میلیونی ی وی کرده بود روانه زندان شد. در پی اعلام شکایاتی مرد ۷۵۰ میلیون تومانی از سوسی پسر خوانده اش ماموران به تحقیق در این رابطه پرداختند و ردپای متهم فراری را در یک باند کلاهبرداری که اقدام به خرید و فروش غیرقانونی خودرو و جعل سند می کردند پیدا و او را دستگیر کردند. متهم که فردی سابقه دار است در بازجویی ها اقرار کرد به دلیل مشکلات خانوادگی از پدر خوانده اش انتقام گرفته و یی سر متواری شدن از خانه به دام باند کلاهبرداران افتاده است. بنابراین گزارش متهم اکنون با قرار قانونی در زندان به سر می برد.

اعتراف خواستگار قلابی به کلاهبرداری های میلیونی

■ **مرد جوانی** با عنوان خواستگار و داند و عده های دروغین به دختران جوان از طعمه هایش کلاهبرداری میلیونی می کرد. این پرونده در پی اعلام شکایت های متعدد دختران جوان از یک خواستگار قلابی در دادسرای ناحیه ۱۰ تهران به جریان افتاد و مشخص شد متهم بعد از جلب اعتماد طعمه هایش به این بهانه انتقام گیری از پدر خود را فرموده و با معرفی کلان را به عنوان قرض گرفته و فراری شده است. ماموران بعد از تحقیق در این خصوص متهم را شناسایی کردند. این جوان بعد از دستگیری به جرایمش اقرار کرد و روانه زندان شد.

■ **گروه حوادث:** پسر جوانی که دختر مورد علاقه اش را به قتل رسانده بود بعد از جلب رضایت اولیای دم از سوی قضات دادگاه کیفری استان تهران به حبس و مراجعه به روانشناس محکوم شد. به گزارش خبرنگار ما، این پسر که امید نام دارد از ۱۸ سالگی در زندان به سر می برد وقتی در برابر قضات قرار گرفت، گفت از کرده خودش پشیمان است و تقاضای بخشش دارد. در ابتدای جلسه محاکمه این متهم که صبح دیروز در شعبه ۷۴ دادگاه کیفری استان تهران بر گزار شد، روشن نماینده دادستان خطاب به قضات گفت: متهم حاضر در دادگاه با سبق تصمیم جوانی را به قتل رسانده است. او مقتول را که خدیجه نام دارد با نقشه قبلی به باغی کشانده و گردن او را بریده است. هر چند به لحاظ جنبه خصوصی جرم اولیای دم گذشت کرده اند، بیم آن می رود که متهم دوباره جرمش را تکرار کند چرا که عمل او یک قتل اتفاقی نبوده و با نقشه قبلی دست به این کار زده است. بنابراین در خواست دارم به لحاظ جنبه عمومی جرم برای متهم کیفر قانونی در نظر گرفته شود. در ادامه جلسه دادگاه متهم در دفاع از خودش گفت: زمانی که این اتفاق افتاد من ۱۸ سال بیشتر نداشتم. در آن زمان ازدواج کرده بودم اما با خدیجه هم رابطه داشتم. خدیجه اوایل نمی دانست متاهل هستم و وقتی فهمید می خواست من را ترک کند به او گفتم قصد دارم از همسرم جدا شوم و با او زندگی کنم. با این بهانه مدتی او را با خودم همراه کردم اما چند ماه گذشت و خدیجه دید خبری نیست من به او دروغ گفته ام به همین خاطر من را تهدید کرد و گفت موضوع را به همسرم اطلاع می دهد. متهم ادامه

داد: نمی دانستم باید چه کنم اگر همسرم می فهمید این اتفاق افتاده است من را ترک می کرد از طرفی نمی توانستم خدیجه را هم رها کنم چون موضوع را به خانواده ام می گفت. چاره ای نبود به جز اینکه او را بکشم. آن روز به من را ترک کند به او گفتم قصد دارم از همسرم جدا شوم و با او زندگی کنم. با این بهانه مدتی او را با خودم همراه کردم اما چند ماه گذشت و خدیجه دید خبری نیست من به او دروغ گفته ام به همین خاطر من را تهدید کرد و گفت موضوع را به همسرم اطلاع می دهد. متهم ادامه



را ترک کردم و اصلا فکر نمی کردم از روی تماس هایی که با اتفاق افتاده است من را ترک می کرد از طرفی نمی توانستم خدیجه را هم رها کنم چون موضوع را به خانواده ام می گفت. چاره ای نبود به جز اینکه او را بکشم. آن روز به من را ترک کند به او گفتم قصد دارم از همسرم جدا شوم و با او زندگی کنم. با این بهانه مدتی او را با خودم همراه کردم اما چند ماه گذشت و خدیجه دید خبری نیست من به او دروغ گفته ام به همین خاطر من را تهدید کرد و گفت موضوع را به همسرم اطلاع می دهد. متهم ادامه

مردی دو همسرش را به قتل رساند پرونده متهم برای محاکمه به دادگاه کیفری ارسال شده است

را کتک می زد و ما هم نمی توانستیم کاری بکنیم. این درگیری چند دقیقه ای ادامه پیدا کرد تا اینکه فرخ ناگهان جاقو کشید و با آن چند ضربه به سینه مادرمان زد. در یک چشم به هم زدن خون کف حیاط خانه را گرفت. چند لحظه بیشتر طول نکشید تا اینکه مادرمان جلوی چشمان من و دو خواهرم جان داد. فرخ هم بعد با فرار گذاشت. به دنبال این اظهارات کار آگاهان با تحقیق درباره فرخ در یافتند او پیش از این نیز همسر اولش را کشته است. شواهد نشان می داد چند سال قبل به دنبال اختلاف فرخ با همسرش، فرخ با ضربات کار دی وی را از پا در آورده بود. در این پرونده فرخ توانست از خانواده همسرش رضایت بگیرد اما به خاطر جنبه عمومی جرم چند سالی را در زندان گذراند و بعد از آزادی با ساحترا ازدواج کرد. وقتی کار آگاهان در باره اختلاف فرخ و ساحترا تحقیق کردند به اطلاعات تازه تری دست یافتند. یکی از دختران مقتول در این باره گفت: فرخ مرد چشم پاکی نیست. من و خواهر هایم سعی می کردیم هیچ وقت روبه روی او فرار نکنیم. او به ما نظر بدی داشت و ما هم از این ماجرا

اسید پاشی متهم به قتل، خواستار تخفیف در مجازاتش شد زندان تنبیه ام کرد

فرزند دارد. متهم در بازجویی ها گفت سارا تنها زندگی می کرد به همین خاطر هم رابطه ما مشکل گرفت. وقتی عاشق او شدم تصمیم گرفتم با وی ازدواج کنم اما سارا بعد از مدتی من را ترک کرد. من می دانستم او رابطه نامشروع دارد و برای اینکه بتوانم او را دوباره به زندگی با خودم بازگردانم تصمیم گرفتم تهدیدش کنم برای همین اسید خریدم و مقابل خانه اش رفتم. وقتی سارا داشت به سمت منزل می رفت او را صدا کردم و گفتم می خواهم تو را با اسید بسوزانم. بعد گالن اسید را روی

تهران بر گزار شد، روشن نماینده دادستان تهران درباره پرونده توضیح داد: سوم اردیبهشت سال ۸۷ گزارش یک اسیدپاشی به ماموران پلیس داده شد. زمانی که ماموران در محل حاضر شدند، فهمیدند قربانی جان خود را از دست داده است و که زنی ۳۲ ساله به نام سارا بود از سوی پسر یی به نام رضا مورد حمله قرار گرفته بود. نماینده دادستان ادامه داد: «وقتی رضا بازداشت شد به اسیدپاشی سارا اعتراف کرد و گفت سارا را دوست داشت و می دانست او مطلقه است و دو

تهران بر گزار شد، روشن نماینده دادستان تهران درباره پرونده توضیح داد: سوم اردیبهشت سال ۸۷ گزارش یک اسیدپاشی به ماموران پلیس داده شد. زمانی که ماموران در محل حاضر شدند، فهمیدند قربانی جان خود را از دست داده است و که زنی ۳۲ ساله به نام سارا بود از سوی پسر یی به نام رضا مورد حمله قرار گرفته بود. نماینده دادستان ادامه داد: «وقتی رضا بازداشت شد به اسیدپاشی سارا اعتراف کرد و گفت سارا را دوست داشت و می دانست او مطلقه است و دو

نماینده دادستان در ادامه خطاب به قضات گفت: متهم در دادگاه قبلی نیز به جرم خود اعتراف کرد و با تقاضای اولیای دم به قصاص محکوم شد اما از آنجایی که آنها رضایت دادند من در خواست دارم به لحاظ جنبه عمومی جرم متهم را مجازات نکنید. در ادامه رضا در

موافقت کردند گارسیا را به عنوان رییس پلیس یکی از شهرهای مخوف در مرز با آمریکا انتخاب کنند. او که آن زمان نگاه رسانه ها را به خودش جلب کرد اکنون یک بار دیگر به خاطر فراراش مورد توجه قرار گرفته است، البته حوزه لوئیس گوئرو، شهردار شهر پراکسیدیس گفت والس گارسیا به دلایل شخصی کار خود را ترک کرده چرا که نوزاد هشت ماهه اش مریض شده و او قادر به ادامه کار نیست. وی افزود: والس گارسیا بعد از خوب شدن نوزادش به سر کار باز خواهد گشت. در همین حال روزنامه دیاریو گزارش داد: والس گارسیا با دریافت چند نامه تهدید به مرگ شغل خود را رها کرده و به آمریکا پناه برده است. او در این نامه ها تهدید شده بود اگر شغل خود را رها نکند، پسرش را جلوی چشمش می کشند. خبرگزاری فرانسه نیز به نقل از منابع موق اعلام کرد: والس گارسیا با هوایما به آمریکا رفته و در خواست پناهندگی کرده است. شهر پراکسیدیس در ایالت چیپوهاو قرار دارد و در ۳۵ مایلی جنوب شرق سیوداد خوارز واقع شده که به عنوان خونین ترین شهر جهان معروف شده است. بنا بر این گزارش از سال

متهم بخشوده شده دیروز انگیزه اش را شرح داد

قتل دختر جوان برای پنهان نگه داشتن راز بزرگ

دم رضایت بگیرم و دوباره به زندگی امیدوار شوم و اگر مادر و خواهرم نبودند من شرایط سختی را می گذراندم. چرا که دو سال قبل همسرم هم از من جدا شد و من کاملا تنها شدم. متهم سپس سرگذشت اش را شرح داد و گفت: ۶ ساله بودم که پدرم فوت شد و از آنجایی که مادرم نمی توانست هزینه های زندگی من و خواهرم را تامین کند، بهزیستی حضانت من را قبول کرد. ۸ سال به دور از خانواده زندگی کردم. وقتی توانستم کار کنم از بهزیستی بیرون آمدم. من برای کمپرسی بار می زدم و زندگی بسیار سختی داشتم. مادرم تحت پوشش بهزیستی بود و در آمدی که من داشتم هم آنقدر نبود که بتوانم هم مادر و هم خانواده خودم را اداره کنم. این حادثه که پیش آمد شرایط مادرم را بدتر کرد. تا اینکه او با رفت و آمدهای زیاد بالاخره توانست رضایت اولیای دم را بگیرد و در نهایت این خواهرم بود که در حق من فداکاری کرد برای اینکه بتواند پول دیه من را بپردازد به خواستگارش جواب مثبت داد و از او شیربهاو یک ماشین گرفت و عین این مبلغ را به عنوان دیه پرداخت کرد. در این سال ها مادرم بیشتر از هر کسی عذاب کشیده است. قتل می دهم وقتی از زندان خارج شدم انسانی سالم باشم. بعد از پایان دفاعیات متهم حیات قضات برای صدور رای وارد شور شدند آنها امید را به لحاظ جنبه عمومی جرم به سه سال و نیم حبس تعزیری با احتساب ایام بازداشت و حبس تعلیقی محکوم کردند و با توجه به اینکه پسر جوان گذشته پر از مشکلی را پشت سر گذاشته و مرتکب قتل نیز شده بود او را به دو سال مراجه مداوم نزد روانشناس محکوم کردند.

بازجویی های مقدماتی اتهام قتل دومین همسرش را پذیرفت اما اظهارات دختران ساحره را در باره نقشه شیطانی اش رد کرد. فرخ گفت: همسرم به حرف های من گوش نمی کرد و مدام بهانه گیری می کرد. به همین دلیل با یکدیگر دچار اختلاف شدیم و من خانه را ترک کردم. روز حادثه وقتی تصمیم گرفتم به خانه برگردم فهمیدم ساحترا قفل در خانه را عوض کرده است. به همین دلیل ماجرا شدم از دیوار بالا بروم. ساحره و دخترانش بعد از دیدن من به طرفم حمله کردند و من هم با جاقویی که همراه بودم، چند ضربه به زخم زد. وی همچنین درباره ماجرای کشتن همسر اولش گفت: آن ماجرا ربطی به مرگ ساحره ندارد. آن موضوع فقط یک اتفاق بود و پدر و مادر همسرم به من رضایت دادند و بعد از چند سال حبس آزاد شدم. حالا هم خانواده همسر دوم می خواهند از این ماجرا سوءاستفاده کنند. به دنبال اعترافات این مرد، وی صحنه جنایت را نیز بازسازی کرد و در ادامه پرونده اتهامی اش با صدور قرار مجرمیت و کیفرخواست برای تصمیم گیری نهایی به دادگاه کیفری استان فارس ارسال شد. بر اساس این گزارش قرار است این مرد به زودی در شهرستان های اطراف شیراز پنهان شده است. به همین دلیل وی در عملیاتی ضربتی دستگیر شد. او در جریان

عذاب می کشیدم. اما مجبور بودیم به خاطر مادرمان این وضعیت را تحمل کنیم. یک روز من، یکی از خواهران و مادرم از خانه بیرون رفتم. خواهر کوچکترم به خاطر درس هایش در خانه ماند. وقتی به خانه برگشتم همه جا به هم ریخته بود. خواهر ما شک می ریخت و گریه می کرد. وقتی درباره این وضعیت از او سوال کردم گفت فرخ در نبود ما به خانه آمده و قصد داشته به وی تعرض کند اما چون او با خواسته شیطانی اش مخالفت کرده فرخ هم او را کتک زده است. دختر مقتول ادامه داد: بعد از این ماجرا مادرم از شوهرش شکایت کرد و بعد از آن هم فرخ از می دانست ممکن است به خاطر این کارش به زندان بیفتد فراری شد. این اظهارات ابعاد گسترده تری از این پرونده جنایی را افشا کرد و باعث شد تلاش ها برای دستگیری متهم فراری با جدیت بیشتری ادامه یابد. با گذشت چند روز از کشوده شدن این پرونده کار آگاهان به اطلاعاتی دست یافتند که نشان می داد فرخ در یکی از شهرستان های اطراف شیراز پنهان شده است. به همین دلیل وی در عملیاتی ضربتی دستگیر شد. او در جریان

بیرون بیایم و قصاص نشوم بلکه این اهمیت داشت که آنها واقعا من را ببخشند، حالا باز هم در دادگاه از آنها می خواهم من را حلال کنند.

متهم درباره اینکه در این مدت در زندان چه می کرد، گفت: من در زندان نماز می خواندم و هر روز برای اینکه روح سارا آرامش داشته باشد دو رکعت نماز هم برای او می خواندم. از این طریق هم خودم و هم سارا آرام می شدم. او سپس به فروش خانه

پدری اش اشاره کرد و گفت: پدرم خانه اش را که دسترنج همه عمرش بود، فروخت تا مبلغ دینه را بپردازد و من از این بابت بسیار شرمندم او هستم. از دادگاه تقاضا دارم به من فرصت دهند کاری که پدرم کرد را جبران کنم و از این نیمه شب جمعه موقوف به ورود به زندانی خانواده ام را جبران کنم.

بنا به این گزارش بعد از آنکه دفاعیات متهم به پایان رسید حیات قضات برای صدور رای وارد شور شدند.

شلیک گلوله به قتل رساندند. به گفته این مقام دولتی، سارقان که از تبهکاران عادی هستند قصدشان سرقت پول های انتقالی بود اما به گفته پلیس آنها از اعضای گروه شورش «فارک» هستند. تحقیقات در این زمینه ادامه دارد.

سرتق تلویزیون پلاسما از زندان

■ **گروه حوادث:** سزارقان در یک اقدام عجیب موفق به دستبرد زدن به زندانی در نیویلند شدند. به گزارش خبرگزاری فرانسه، پلیس نیویلند اعلام کرد سارقان که قبیل از نیمه شب جمعه موفق به ورود به زندانی در نیوپلیموث در غرب ساحل جزیره شمالی این کشور شدند و یک تلویزیون بزرگ پلاسما را به سرتق بردند. توماس مک ابتنایر از مقام های زندان در این باره گفت: اگر مردم کسی را دیده اند که در نیمه شب در حوالی زندان در حال حمل یک تلویزیون بزرگ بوده لطفا پلیس را مطلع کنید. زندان پلیموت قدیمی ترین زندان نیویلند است که از سال های دهه ۱۸۶۰ از بیمارستان ارتش به یک زندان تبدیل شد. یک دیوار بزرگ سنگی که در بالای آن سیم خاردار کشیده شده این زندان را احاطه کرده است.

حادثه‌ها

شکایت یک زن در دادگاه خانواده

شوهرم دامادم را به زور معتاد کرد

■ **گروه حوادث:** مردی معتاد برای اینکه به مصرف مواد دچار مشکل نشود با تهدید دامادش را به دام اعتیاد گرفتار کرد. چند روز قبل زنی ۲۷ساله با مراجعه به دادگاه خانواده ضمن ارایه دادخواست طلاق به قاضی شعبه ۲۵۴ گفت: شوهرم معتاد به تریاک است و من بعد از ۲۰ سال زندگی مشترک می خواهم از او جدا شوم. این زن ادامه داد: شوهرم آبروی من را برده و در طی این یک سال گذشته دامادم را مجبور به مصرف مواد کرده است؛ دامادم حدود ۲ ماه است که مواد مصرف می کند و دخترم از این موضوع بی خبر است. شوهرم، دامادم را تهدید کرده بود که چنانچه در کنار او مواد مصرف نکند، طلاق دخترمان را می گیرد او نیز مجبور به این کار شده است. ادامه زندگی با چنین مردی برایم غیرممکن است او برای پوشاندن عیب خود، جان داسدم را به خطر انداخته و زندگی دخترم را نابود کرد. بنابه این گزارش قاضی دادگاه بعد از شنیدن این حرف ها شوهر زن جوان را احضار کرد تا از او تحقیق کند.

سیل جان دختر بچه ۱۱ساله را گرفت

■ **یرزش باران و تگرگ** و جاری شدن سیل در روستای برطنین در استان هرمزگان جان یک دختر بچه ۱۱ساله را گرفت. عسکری زاده، معاون امداد و نجات استان هرمزگان در گفت و گو با (ایسنا)، در این باره گفت: امدادگران شهرستان رودان روز شنبه از طریق تماس اهالی روستای «برطنین» در جریان مفقودشدن دختری ۱۱ ساله قرار گرفتند. وی افزود: امدادگران با حضور در صحنه حادثه در یافتند این دختر بچه ۱۱ ساله که در کنار یکی از رودخانه های فصلی ایستاده بود، به علت ریزش سنگ های کنار رودخانه به درون رودخانه سقوط کرده است. معاون امداد و نجات استان هرمزگان گفت: به دلیل بارش سنگین باران و تگرگ رودخانه دچار طغیان شده بود و امدادگران و مردم محلی پس از چند ساعت عملیات جست و جو و نجات سرانجام جسد این دختر ۱۱ساله را در میان امواج این رودخانه فصلی یافتند.

کودک ۸ساله

پدر و مادرش را به هم رساند

■ **گروه حوادث:** زن و مردی که شش سال قبل از یکدیگر جدا شده بودند برای اینکه بتوانند بافرزندشان زندگی کنند تصمیم گرفتند بار دیگر با یکدیگر ازدواج کنند. به گزارش خبرنگار ما این مرد صبح دیروز به دادگاه خانواده شهید محلاتی رفت و با ارایه دادخواستی از قاضی حضانت فرزندش را بر عهده بگیرد. وی به قاضی شعبه ۲۳۵ گفت: ۶ سال قبل از همسرم جدا شدم و به دلیل روحیه لطیفی که داشت، فرزندم را نیز به او سپردم اما حالا فرزندم را می خواهم چرا که می توانم از سن هشت سالگی به بعد او را «هر» بار بیاورم. وی ادامه داد: ابتدای جنایی به همسرم گفته بودم که در سن ۸سالگی پسر،م را و پس خواهم گرفت و همسرم هم با این کار موافقت کرد. حالا هم طبق قرارنامه به دادگاه آمدم تا فرزندم را به دست بیاورم و راه به بهترین شکل بزرگ کنم. در ادامه رسیدگی به این پرونده همسر این مرد که در دادگاه حضور داشت، گفت: من سختی زیادی برای بزرگ کردن فرزندم کشیدام و حاضر نیستم او را به شوهر سابقم پس بدهم. من ۶ سال سختی کشیدم. حالا شوهر سابقم با وفاق تمام، فرزندم را می خواهم. از سوسی دیگر من روحیه حساسی دارم و اگر فرزندم از من جدا شود، ادامه زندگی برایم ممکن نیست. در چنین شرایطی حاضر نیستم حضانت فرزندم را به شوهرم بدهم و او حق دارد مثل گذشته به دیدن فرزندم بیاید. فقط یک راه وجود دارد و اگر شوهرم بار دیگر من را عقد کند آن وقت سه نفری در کنار یکدیگر زندگی می کنیم. مرد نیز با شنیدن این اظهارات از آن استقبال کرد و گفت اگر همسرم بخواهد، من نیز حاضرم بار دیگر در کنار او زندگی کنم.

سرتق از رانندگان مسافر کش

■ **گروه حوادث:** اعضای یک باند که با توسل به زور از رانندگان مسافر کش سرتق می کردند دستگیر شدند. سرهنگ حسین کربلایی زاده، فرمانده انتظامی شهرستان قدس در این باره گفت: «طی تماس های تلفنی شهروندان با مرکز فوریت های پلیسی ۱۱۰ و اعلام گزارش هایی مبنی بر فعالیت یک باند سرتق و زورگیری از رانندگان در شهرستان قدس رسیدگی به این موضوع در دستور کار ماموران پلیس آگاهی قرار گرفت. وی در ادامه گفت: بنابر اظهارات مالباختگان و انجام تحقیقات ویژه پلیسی محله هایی که احتمال حضور متهمان در آنجا متصور بود تحت کنترل نامحسوس قرار گرفت تا اینکه ماموران آگاهی در گشت زنی در یکی از مناطق این شهرستان به سر نشینان یک دستگاه پراید مشکوک شدند و با استعمال پلاک خودرو از مرکز پیام فهمیدند خودرو مسروقه است. سرهنگ کربلایی زاده ادامه داد: «ماموران دستور توقف خودرو را دادند اما سر نشینان قصد فرار داشتند که با سرعت عمل آنها خودرو توقیف و دو نفر از سر نشینان دستگیر و به پلیس آگاهی منتقل شدند. سرهنگ زاده افزود: متهمان در باره سرهنگ دشان توضیح دادند به عنوان مسافر سوار خودروهای شخصی می شدند و سپس از خلوتی جاده یا تاریکی هوا استفاده و با سلاح سرد اقدام به ضرب و جرح راننده و سرتق خودرو و اموال وی می کردند».